

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۶
بهار ۱۳۹۳، ص ۱۹۸-۱۸۵

بررسی فقهی حقوقی حکم جنایات متعدد ناشی از یک ضربه*

دکتر یوسف نورائی^۱

استادیار دانشگاه شمال

Email:yyffir114@yahoo.com

دکتر محمد هادی صادقی

دانشیار دانشگاه شیراز

چکیده

چنانچه جنایات متعدد، اثر یک ضربه جانی باشد در حکم این مسأله سه باور متفاوت وجود دارد. مشهور فقیهان پرداخت دیات تمامی جنایات حاصله را بر جانی لازم دانسته‌اند. گروه دیگر که قائل به تداخل جنایات شده‌اند خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. شماری به‌طور مطلق و برخی نیز با وجود شرائطی تداخل و در نتیجه پرداخت تنها یک دیه را بر جانی لازم می‌دانند. قانون‌گذار که پیش از این در مسأله جنایات متعدد ناشی از یک ضربه، حکم آشکاری را بیان نکرده بود، کوشیده تا در قانون مجازات اسلامی جدید، حکم این مسأله را بیان نماید. مقنن در این زمینه بسیار ناقص عمل نموده است زیرا نه تنها نظر مشهور را رد نموده بلکه برای پذیرش حکم تداخل جنایات، علاوه بر شروط یادشده از سوی فقیهان دسته دوم، خود شرط غیر عمدی بودن ضربه جانی را نیز افزوده است. یعنی عملاً قانون‌گذار دیدگاه هیچ فقهی را در این باره نپذیرفته است. نوشتار پیش رو، پژوهشی کتابخانه‌ای و اسنادی است که به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته و ضمن بررسی فقهی و حقوقی، به این نتیجه رسیده است که اگر جنایت دوم اثر و نتیجه جنایت اصلی بوده و میانشان شدت و ضعف نیز باشد، جنایت اقل در اکثر تداخل نموده و برخلاف مواد پیشنهادی قانون‌گذار، برای ثبوت حکم تداخل، تفاوتی میان عمدی یا غیر عمدی بودن ضربه اولیه جانی نیست.

کلیدواژه‌ها: تعدد جرم، تعدد نتایج، قانون مجازات اسلامی، تداخل جنایات، رابطه طولی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۶/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۰۹.
^۱ نویسنده مسئول.

مقدمه

از مصادیق بارز کیفیات عام مشدد، تعدد جرم است. (اردبیلی، ۲۰۱۷/۲؛ نوربها، ۴۴۰). مفهوم‌سازی مسأله پژوهشی^۱ از بخش‌های مهم در فرآیند یک پژوهش نظری^۲ است (چمپیون، ۱۸) با وجود این، قانون‌گذار، تعریفی از تعدد جرم ارائه ننموده و حتی تعریفی که خود در پیش‌نویس اولیه لایحه مجازات اسلامی در ماده ۱-۱۳۴^۳ بیان کرده بود را در مراحل بعدی حذف نموده است. این ابهام نه تنها در تعریف، بلکه در برخی از مصادیق تعدد جرم مانند تعدد نتایج حاصل از یک جرم نیز بسیار مشهود است. قانون مجازات اسلامی درباره تعریف، مصادیق و شرایط تعدد نتیجه ساکت است. قانون‌گذار در قانون جدید مجازات اسلامی تا حدودی به این موضوع به‌ویژه در مبحث دیات توجه نموده است. رویکرد نوین یادشده که تبلورش در ماده ۵۴۶ ق.م.ا دیده می‌شود، با وجود تحسین برای تلاشی ستودنی، هنوز دارای ابهام‌ها و بعضاً تعارض‌های آشکاری است. مشهور فقیهان امامیه در مواردی که چند ضربه جانی در مجموع، یک جنایت بوجود آورد و یا هر کدام از ضربه‌ها جنایت جداگانه‌ای را ایجاد نمایند اختلافی ندارند و در مورد نخست به تداخل دیات و در مورد دوم به عدم تداخل دیات رأی داده‌اند. (سبزواری، ۲۵۰/۲۹) قانون‌گذار نیز از مشهور فقیهان پیروی نموده و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در مواردی که چند ضربه جانی در مجموع، یک جنایت بوجود آورد، تداخل دیات^۴ و در مواردی که هر کدام از ضربه‌ها جنایت جداگانه‌ای را ایجاد نمایند، عدم تداخل دیات را پذیرفته است^۵ اما اختلاف آراء، زمانی است که یک ضربه جانی موجب پیدایش آثار و جنایت متعددی گردد که در این‌باره پس از بررسی آرای فقیهان، ابهام‌ها و تعارض‌های ماده ۵۴۶ قانون مجازات اسلامی^۶ که به این مسأله پرداخته را بیان می‌داریم.

^۱ Conceptualization of research problem.

^۲ Pure research

^۳ ماده ۱-۱۳۴: تعدد جرم به معنای ارتکاب مجدد همان جرم یا تحقق جرم دیگری قبل از اجرای مجازات است.

^۴ ماده ۵۳۹- هرگاه مجنی‌علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیرعمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می‌شود:... ب - در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سرایت تمام صدمات باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود ...

^۵ ماده ۵۴۲- هرگاه در اثر رفتارهای متعدد، آسیب‌های متعدد ایجاد شود، هر آسیبی دیه جداگانه دارد.

^۶ ماده ۵۴۶- چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارد

بررسی فقهی مسأله

فقیهان امامیه در موردی که به دنبال یک ضربه جانی نتایج متعددی به وجود آید سه دیدگاه ارائه کرده‌اند:

دیدگاه اول شماری از فقیهان بدون آن که تفصیلی را بیان نمایند به تداخل دیات در این حالت قائلند. به عنوان نمونه شیخ طوسی (ره) می‌گوید:

«و من ضرب إنساناً علی رأسه ضربه فذهب عقله انتظر به سنة ... و إن كان أصابه مع ذهاب عقله شجرة إما موضحة أو مأمومة أو غیرهما من الجراحات، لم یکن فیہ أكثر من الدية كاملة» (شیخ طوسی، النهایه، ۷۷۱). برخی دیگر از فقیهان نیز شبیه همین عبارت را پذیرفته‌اند. (ابن سعید حلّی، ۵۹۵؛ ابن ادریس حلّی، ۳۹۶/۳)

دیدگاه دوم، مشهور فقیهان امامیه بر خلاف نظر پیشین بدون هیچ‌گونه قیدی عدم تداخل دیات و در نتیجه جمع دیات را پذیرفته‌اند. صاحب مسالک، حکم عدم تداخل را صراحتاً به مشهور نسبت داده است: «مشهور فقیهان امامیه بر این باورند که جنایت بر عضو و منفعت تداخل نمی‌نمایند آن‌که سرش را زخمی کند و در اثر آن زخم عقل مجروح از بین برود. مشهور در حکم عدم تداخل تفاوتی میان این‌که آن جنایات با یک ضربه ایجاد شود یا ضربه‌های بیشتر تفاوتی قائل نیستند (شهید ثانی، ۴۴۴/۱۵) صاحب جواهر پس از تحریر محل نزاع و بیان عبارات برخی از قائلان به عدم تداخل دیات می‌نویسد: «و صریحه موافقه المشهور هنا کما أن الشیخ رجع عمّا فی النهایة إلی موافقته ایضاً فی محکی الخلاف و المبسوط» (نجفی، ۲۹۴/۴۳) نویسنده جامع المذاکر نیز بر مشهور بودن عدم تداخل این چنین تأکید می‌نماید: «اگر زخمی بر سرش وارد نماید و در اثر آن زخم، عقل مجنی علیه نیز از بین برود، دیه دو جنایت بنا بر نظر مشهور تداخل نمی‌نماید» (خوانساری، ۲۵۴/۶).

دیدگاه سوم، برخی دیگر از فقها هیچ‌یک از نظرات پیشین را به طور مطلق نپذیرفته بلکه با وجود شرائطی تداخل را پذیرفته و در صورت فقدان هر یک از شرائط مد نظر خود قائل به عدم تداخل دیات شده‌اند. مدنی کاشانی بر این باور است که اگر دو جنایت ایجاد شده به گونه‌ای باشد که یک جنایت سبب ایجاد جنایت دوم شده باشد، یعنی جنایت دوم اثر جنایت اول باشد، در این صورت تداخل دیات درست بوده و جانی موظف به پرداخت تنها یک دیه

علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد.

است؛ در غیر این صورت، هر جنایت مستقل بوده و موجب لزوم پرداخت دیه‌ای جداگانه خواهد شد. (مدنی، ۲۶۵) خوئی نیز بر این باور است که در این حالت با وجود دو شرط می‌توان تداخل دیات را پذیرفت. وی علاوه بر شرط یاد شده از سوی مدنی کاشانی، شرط دیگری را بیان نموده و آن وجود شدت و ضعف میان نتایج مجرمانه است. (خوئی، موسوعه، ۴۳۷/۴۲) منظور از شدت و ضعف این است که جنایات به قضاوت عرف اقل و اکثر باشند مانند آن که جانی یک ضربه به سر مجنی علیه بزند و موجب زخمی از نوع حارصه (خراش پوست بدون جاری شدن خون) شود که دیه آن یک شتر است. سپس به جهت وجود بیماری خاص در مجروح، زخم یادشده عفونت کرده و با سرایت بیشتر تبدیل به جنایت از نوع دامیه (خراشی که از پوست بگذرد همراه با جریان خون) شود که دیه آن دو شتر است. در این حالت نتیجه اول یعنی حارصه چون اقل و ضعیف تر از دامیه است، و از سوی دیگر جنایت دوم اثر جنایت اول است، جنایت ضعیف در شدید تداخل نموده در نتیجه جانی صرفاً ملزم به پرداخت جنایت شدید و اکثر یعنی دو شتر است نه این که دو جنایت با هم جمع گردند.

بررسی ادله

دلیل دیدگاه اول:

تنها دلیل شیخ طوسی و ابن سعید حلّی استناد به صحیحه ابو عبیده است. (حرّ عاملی، ۳۶۷/۲۹) در این روایت ابو عبیده حدّاء از امام باقر (ع) می‌پرسد که جانی با ستون خیمه‌ای بر سر مجنی علیه می‌کوبد چه طوری که عقل او از بین می‌رود؛ تکلیف چیست؟ حضرت می‌فرماید باید تا یک سال منتظر ماند. چنانچه در این مدت مجنی علیه مُرد، جانی قصاص می‌شود. ولی در صورت زنده ماندن و باز نگشتن عقل مجنی علیه پس از یک سال، جانی باید یک دیه کامل بپردازد. راوی دوباره می‌پرسد: آیا به جهت زخمی که در اثر برخورد ستون با سر مجنی علیه ایجاد شده نباید دیه‌ای جدای از دیه ذهاب عقل بپردازد؟ حضرت می‌فرماید: «خیر زیرا مرتکب فقط یک ضربه زده ولی آن یک ضربه دو جنایت را به وجود آورده است به همین جهت او را به پرداخت دیه مهم‌تر (از میان دو جنایت از بین رفتن عقل و دیه زخم سر) محکوم نمودم.

۱. کتاب الدیات، ابواب دیات المنافع، باب هفتم، حدیث یکم: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بِعَمُودٍ فَسَطَّاطَ - عَلَى رَأْسِهِ ضَرْبَةً وَاحِدَةً فَأَجَافَهُ - حَتَّى وَصَلَتْ الضَّرْبَةُ إِلَى الدِّمَاغِ فَذَهَبَ عَقْلُهُ - قَالَ إِنْ كَانَ الْمَضْرُوبُ لَا يَعْقِلُ مِنْهَا الصَّلَاةَ - لَا يَعْقِلُ مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ - فَإِنَّهُ يَنْتَظَرُ بِهِ سَنَةٌ - فَإِنْ مَاتَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّنَةِ أَقِيدَ بِهِ ضَارِبُهُ - وَإِنْ لَمْ يَمُتْ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ

ادله دیدگاه دوم

مشهور فقها برای اثبات عدم تداخل دیات به ادله ذیل استناد کرده‌اند:

۱. اصل عدم تداخل مسببات شرعیه

در علم اصول بحث مفصلی است که اگر سبب‌های شرعی (مانند جنایت‌های ایجادشده بر مجنی‌علیه) متعدّد شوند آیا اثر آنها (قصاص یا دیه هر یک از جنایات مذکور) هم متعدّد خواهند بود یا انجام یک نتیجه از بقیه کفایت می‌کند که سه نظریه در میان علمای امامیه در این باره وجود دارد (موسوی، ۳۰۴-۲۴۰) مشهور بر این باورند که مسببات تداخل نمی‌کنند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰ نیز این اصل صراحتاً پذیرفته شده است. مقنن در این قانون در ماده ۵۳۲ مقرر نموده است: «در تعدّد جنایات، اصل بر تعدّد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است».

۲. اجماع فقیهان

شیخ طوسی پس از بیان برخی از اقوال می‌گوید: «و دية العقل واجبة مع ذلك و هذا هو مذهبنا». (طوسی، المبسوط، ۱۲۷/۷) صاحب مفتاح نیز پس از نقل عبارت شیخ طوسی از کتاب نهاییه می‌گوید: «أنا لم نأخذ دليلًا وإنما الدليل ما قد عرفته من الأصل و الإجماع و أخبار (الخلاف) المعتضدة بالإجماع» بنابراین وی استناد به روایت ابو عبیده را دلیل درستی ندانسته و سه دلیل از جمله اجماع را تنها ادله صحیح می‌داند. (حسینی عاملی، ۴۵۶/۱۰)

۳. صحیح ابراهیم بن عمر (حرّ عاملی، ۳۶۵/۲۹)

در این روایت ابراهیم از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که آن حضرت فرمودند که از حضرت علی (ع) درباره مردی پرسیدند که این جانی عصابش را به مردی دیگر می‌زند و در نتیجه آن، شش جنایت از جمله از بین رفتن شنوایی و بینایی و گویش و... به وجود آمده است که امیرالمومنین (ع) ضارب را محکوم به پرداخت شش دیه (به تعداد جنایات حاصله) نمودند.

السنة - و لم يرجع إليه عقله أغرم ضاربه الدية في ماله - لذهاب عقله قلت - فما ترى عليه في الشجة شيئاً قال لا - لأنه إنما ضرب ضربة واحدة - فجنّت الضربة جنائتين - فالزمته أغلظ الجنائتين و هي الدية - ولو كان ضربه ضربتين فجنّت الضربتان جنائتين - فالزمته جنابة ما جنتا كأننا ما كان - إلا أن يكون فيهما الموت - فيقاد به ضاربه...»^۱

۱. نظر دوم آن است که مطلقاً تداخل می‌کنند و نظر سوم می‌گوید اگر سبب‌ها از یک نوع بودند تداخل پذیرفته می‌شود.

۲. کتاب الدیات، ابواب دیات المنافع، باب ششم، حدیث یکم:

«قضى أمير المؤمنين ع في رجل ضرب رجلاً بعضاً فذهب سمعه و بصره و لسانه و عقله و فرجه و انقع جماعه و هو حي يست ديات».

ادله دیدگاه سوّم

این گروه بر این باورند که ظهور روایات به ویژه ظهور صحیحه ابو عبیده و خصوصاً این قسمت از روایت که حضرت فرمودند: «فَالزَّمْتُهُ أَغْلَظَ الْجَنَائِتِينَ» بیانگر این حقیقت است که باید نتایج مجرمانه اثر یکدیگر بوده و شدت و ضعف نیز داشته باشند تا ضعف در ضمن شدید تداخل نماید و از سوی دیگر چون تداخل بر خلاف اصل اولیه است، ناگزیریم تا به قدر متیقّن که همان وجود شرایط یادشده برای تداخل است بسنده نماییم.

نقد و بررسی آراء

الف. بررسی رای دسته نخست:

نگارنده هرچند فی الجمله تداخل دیات را نظری درست می‌داند اما نظر ارائه شده از سوی شیخ طوسی و دیگر فقهای دسته نخست (تداخل دیات به طور مطلق) را نمی‌پذیرد. شماری از پژوهش‌گران در تأیید نظر شیخ، ادله‌ای را بیان نموده‌اند که برخی از این ادله با ادعای ایشان همخوانی ندارد. (حاجی ده آبادی، ۴۶۹) ظاهراً مهم‌ترین دلیل شیخ طوسی در نهاییه، اطلاق روایت ابو عبیده می‌باشد. نگارنده بر این باور است که این اطلاق در روایت احراز نشده و قرائن قوی مانع تمسک به اطلاق است. زیرا برای استناد به اصاله الاطلاق باید مقدمات حکمت احراز شده باشد. (عراقی، ۵۸۰/۲-۵۷۰) یکی از این مقدمات آن است که قدر متیقّن در مقام تخاطب وجود نداشته باشد (بثربی، ۱۳۵) زیرا شماری از بزرگان علم اصول وجود چنین قدر متیقّنی را مانع از اطلاق کلام می‌دانند (خراسانی، ۲۴۹-۲۴۷) قدر متیقّن یادشده در صحیحه ابو عبیده موجود است؛ زیرا در پرسش راوی آمده است: ضَرَبَ رَجُلًا ... فَأَجَافَهُ ... فَذَهَبَ عَقْلُهُ. که کاملاً مشخص است که سوال ابو عبیده از یک ضربه‌ای است که زخمی بر سر مجنی علیه وارد می‌کند و آن زخم سبب ایجاد جنایتی دیگر به نام ذهاب عقل شده است. این که

^۱ . در این کتاب آمده است: «حتی خود صحیحه ابراهیم هم می‌تواند دلیلی بر تداخل دیه اطراف باشد زیرا در آن صحبتی از لزوم پرداخت دیه ضربه یا ضرباتی که با عصا پدید آمده است و باعث زوال منافع شده نیست بنابراین حق با قائلان به تداخل دیه است». علت عدم همخوانی این است که نویسنده محترم علی‌رغم تلاش ستودنی در بحث، از اصل ادعای خود غافل شده‌اند زیرا ایشان بر این باورند که شرط رابطه طولی میان نتایج که از سوی دسته سوم ارائه شده با وجود اطلاق روایت ابو عبیده درست نیست در حالی که در جمله پیش گفته عملاً وجود رابطه طولی میان نتایج را بطور ضمنی تأیید نموده‌اند زیرا علت این که امام ع برای زخم (شجّه) حاصل از ضربه عصا دیه جداگانه مشخص فرمودند این بوده که چون رابطه طولی میان زخم ایجادشده از ضربه به یک عضو و از بین رفتن منفعت همان عضو وجود دارد به نظر امام ع دیه آن زخم و منفعت تداخل نموده یک دیه بیان شده است.

راوی برای عطف دو فعل (أجافه) و (ذهب) از حرف عطف فاء استفاده نموده، بیانگر آن است که هر یک از این دو، نتیجه پیش از آن است. یعنی زخم سر نتیجه ضربه و ذهاب عقل نتیجه زخم سر است و این همان رابطه طولی میان فعل جانی و آثار مجرمانه آن است. بنابراین، تمسک به اطلاق روایت امکان‌پذیر نیست. زیرا در مقام تخاطب ابو عبیده و امام (ع) یک قدر متیقن (یعنی رابطه سبب و مسببی میان فعل جانی و آثار مجرمانه آن) وجود دارد.

ب. بررسی رای دسته دوم:

به نظر نگارنده نظر و ادله مشهور در این مسأله به جهات متعدّد دارای اشکال است. نخست این‌که اصول به طور کلی موقعی می‌توانند دلیلی قطعی باشند که امارات و ادله لفظی وجود نداشته باشند در حالی‌که با وجود صحیحه ابو عبیده استناد به اصل به عنوان دلیل پذیرفته نیست. دوم این‌که تحقق اجماع در این مسأله که دست کم سه نظر در آن وجود دارد و کسانی چون شیخ طوسی مخالف مشهور نظر دارند امکان‌پذیر نیست و بر فرض تحقق، این اجماع، مدرکی است و ارزشی ندارد. سوم این‌که استناد مشهور به مهم‌ترین دلیلشان یعنی صحیحه ابراهیم نیز جای تأمل بسیار دارد زیرا حتی اگر صحیحه ابراهیم هیچ مشکلی هم نداشته باشد، دست کم باید پذیرفت که صحیحه ابو عبیده مقدم بر روایت ابراهیم است زیرا صحیحه ابراهیم از جهت تعداد ضربه‌ها مطلق است و تعدّد دیات را پذیرفته در حالی‌که صحیحه ابو عبیده تصریح به یک ضربه دارد و در نتیجه روایت ابو عبیده مقید است و مقدم بر اطلاق روایت ابراهیم است. نگارنده بر این باور است که اصولاً استناد به صحیحه ابراهیم در این بحث درست نیست زیرا نه تنها نمی‌توان اطلاق روایت از حیث یک ضربه یا دو ضربه بودن را پذیرفت بلکه به نظر می‌رسد روایت ابراهیم خارج از محل نزاع است زیرا روایت یادشده به کمک قرائنی ظهور در تعدّد ضربه‌ها دارد نه یک ضربه‌ای که موجب پیدایش چند جنایت شده باشد. مهم‌ترین قرینه درستی این ادعا گستره جنایات پدید آمده در این روایت است. چگونه عرف می‌تواند تصور نماید که یک ضربه با عصا هم آثاری به این شدت در بالای بدن مجنی‌علیه (مانند از بین رفتن شنوایی، بینایی و گویش و عقل) داشته و در عین حال

^۱ . در ادبیات عرب به این حرف عطف، فاء نتیجه نیز گفته می‌شود.

^۲ . چه اصل اولیه که دلیل اول مشهور است و چه اصل عملی (الاصل دلیل حیث لا دلیل)

^۳ . هر چند به عنوان مؤید بعضاً بکار می‌روند نه به عنوان دلیل.

^۴ . که به نظر ما این روایت دست کم از لحاظ متن نمی‌تواند دلیل اثبات عدم تداخل جنایات حاصل از یک ضربه باشد که ذیلاً توضیح آن خواهد آمد. زیرا از محل بحث خارج است.

همان یک ضربه موجب آسیب به آلت تناسلی و قطع شدن جماع مجنی علیه نیز گردیده باشد! تلاش صاحب مفتاح برای حل این مشکل که یک ضربه ممکن است موجب همه جنایات شش گانه گردد با این فرض که احتمالاً عصای مرتکب بسیار بلند بوده! ضمن این که احتمال بسیار بعیدی است خود بیانگر درستی نظر نگارنده است. (حسینی عاملی، ۱۰/۴۵۷).

نگارنده در نهایت در محل بحث تداخل دیات را مشروط به وجود دو شرط درست می‌داند. بدیهی است جنایاتی تداخل خواهند نمود که یا مستقیماً اثر فعل جانی باشند و یا جنایت دوم اثر و نتیجه جنایت اصلی باشد و میانشان شدت و ضعف باشد. اثبات نظریه مختار، اولاً با ادله نقضی است که در رد ادله مشهور و دیگر فقیهان بیان نمودیم و ثانیاً ظهور صحیحه ابو عبیده و خصوصاً این قسمت از روایت که حضرت فرمودند: «فَالزَّمْتُهٗ أُغْلَظَ الْجَنَائِیَّتِیْنِ» است زیرا تداخل بر خلاف اصل اولیه است، پس به قدر متیقن که همان وجود شرایط یادشده برای تداخل است بسنده می‌نماییم.

بررسی حقوقی مسأله^۲

مقنن در بحث تعدد نتیجه در دیات، نظر مشهور فقیهان که قائل به عدم تداخل هستند را نپذیرفته است. هرچند این رویکرد قانون‌گذار به طور ضمنی از برخی مواد فهمیده می‌شود، با وجود این، نظر آشکار مقنن در این موضوع را می‌توان در ضمن ماده ۵۴۶ ق.م.ا یافت که ذیلاً به بررسی آن می‌پردازیم:

«ماده ۵۴۶-چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند این که با شکستن سر، عقل زائل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده

۱. «و قد تكون العضا طویلة شملت من لَدُنْ رأسه إلى صلبه فکان منها هذه الأمور الأربعة».

از آنجا که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰ تا این لحظه قطعی نشده، نویسنده، شماره مواد مورد استناد را بر اساس آخرین نسخه ارسالی این قانون از سوی ریاست محترم مجلس به ریاست محترم جمهور در تاریخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۱ تنظیم نموده است.

۲. مانند ماده ۵۴۷ ق.م.ا.

هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جانفیه یکباره واقم شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت می‌شود و اگر به تدریج واقم شود یعنی ابتداء جراحت خفیف‌تر مانند موضحه و سپس جراحت شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد تنها دیه جراحت شدیدتر پرداخت می‌شود ...

است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زائل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت، هر کدام دیه جداگانه دارد».

در این ماده قانون‌گذار تلاش نموده با پذیرش نظر تفصیلی مذکور از سوی خوئی و برخلاف نظر مشهور حکم تداخل دیات را مشروط به وجود شرائطی بپذیرد؛ در حالی که به نظر می‌رسد در این مورد علاوه بر دو شرط مذکور در کتاب مبانی تکمله المنهاج خود شرط غیر عمدی بودن را اضافه نموده است. بدین ترتیب نه پیروی از نظر مشهور نموده و نه نظر دیگران را کاملاً پذیرفته بلکه در واقع خود نظر چهارمی را ارائه داده و آن تداخل دیات در تعدد نتیجه در دیات با وجود چهار شرط است: ۱. یکی بودن رفتار مرتکب. ۲. وجود رابطه طولی یعنی جنایت نخست موجب ایجاد جنایت دوم شود نه این که هر دو جنایت، اثر رفتار اصلی مرتکب باشد. به همین جهت است که قانون‌گذار در ماده ۷۱۷ ق.م.ا.مصوب ۹۲ مقرر داشته است:

«هرگاه در اثر جنایت وارد بر مادر، جنین از بین برود، علاوه بر دیه یا ارش جنایت بر مادر، دیه جنین نیز در هر مرحله‌ای از رشد که باشد پرداخت می‌شود».

۳. وجود شدت و ضعف در میان نتایج حاصله ۴. شرط چهارمی که در آرای پیش گفته، هیچ فقیهی نگفته عبارت است از غیر عمدی بودن ضربه واحدی که نتایج متعدد بوجود آورده است. این شرط را هر چند می‌توان از مفهوم ماده ۵۴۰ نیز فهمید.

ولی منطوق ماده ۵۳۹ کاملاً بیانگر شرط چهارم مورد ادعای ما می‌باشد در این ماده قانون‌گذار مقرر داشته:

«هرگاه مجنی‌علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیرعمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می‌شود:

۱. برگرفته از صدر ماده ۵۴۶: «هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد ...»

۲. «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند این که با شکستن سر، عقل زایل شود، ... دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند».

۳. «ماده ۵۴۰- هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشته یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی‌علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی‌علیه نیز باید پرداخت شود...».

الف - در صورتی که صدمه وارده یکی باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می‌شود. ...»

شرط چهارم، یعنی غیر عمدی بودن ضربه واحدی که نتایج متعدّد بوجود آورده است، در حالی در قانون افزوده شده که استناد همه فقیهانی که مطلقاً یا مشروطاً به وجود شرائطی تداخل دیات را پذیرفته‌اند صحیحه ابو عبیده است. در این صحیحه نه تنها غیر عمدی بودن شرط نشده بلکه در صدر روایت، قرائنی است که آن یک ضربه عمدی بوده با وجود این، امام (ع) حکم به تداخل نموده‌اند است. قرائن مورد ادعای ما عبارتند از:

اولاً ظهور فعل ضَرَبَ در آثار روایت و ثانیاً وجود فعل أُقِيدَ (ضربه‌زننده قصاص می‌شود) کاملاً بیانگر عمدی بودن ضربه مرتکب است زیرا در غیر این صورت قصاص معنا نخواهد داشت. عبارت روایت این‌گونه است:

«عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بَعْمُودٍ فَإِنْ مَاتَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّنَةِ أُقِيدَ بِهِ ضَارِبُهُ...».

ذیل ماده ۵۴۶، مطلب جدیدی نیست و در واقع مفهوم مخالف صدر همین ماده است. بنابراین ضرورتی به بیانش نبود و بر فرض به جهت اهمیت، به این مفهوم تصریح شده باشد، مقنن به گونه‌ای ناقص عمل نموده و ایجاد ابهام نموده زیرا در بیان مفهوم مخالف، برخی از شرائط را گفته ولی از بیان مفهوم مخالف شرطی دیگر خودداری نموده است.

مقنن از قاعده‌ای که در ضمن ماده ۵۴۶ تأسیس نموده غافل شده یعنی با وجود این که در ماده ۵۴۶ حکم تداخل دیات را مشروط به وجود شرائطی پذیرفته بود، در تعارضی آشکار بر خلاف حکم مذکور در ماده ۵۴۶ تداخل دیات را در همین موضوع (یعنی ایجاد نتایج متعدّد از یک ضربه) در ضمن ماده ۶۷۸ رد نموده و مقرر داشته است: «هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زائل شود یا نقصان یابد، هر یک دیه یا ارزش جداگانه‌ای دارد...». وضع ماده ۶۷۸ که در ظاهر معارض با ماده ۵۴۶ می‌باشد، توجیهی ندارد مگر آن که گفته شد

۱. «... و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد ...»

۲. در صدر ماده تأکید به یکی بودن ضربه و وجود رابطه سببیت میان ضربه و نتیجه مجرمانه نموده و در ذیل ماده مفهوم مخالفش را هم تصریح نموده: «و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه‌ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به‌گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند، نباشد...».

۳. چون در ذیل ماده از مفهوم مخالف شرط شدت وضعف میان نتایج حاصله سخنی به میان نیامده است.

که این دو ماده در واقع عام و خاص هستند یعنی ماده ۵۴۶ عموم ماده ۶۷۱ را تخصیص می‌زند. احتمال عام و خاص بودن این دو ماده هرچند ممکن است ولی بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، قانون‌گذار، حکمی که در ماده ۲۹۶ مقرر نموده قابل جمع با حکم مذکور در ماده ۵۴۶ نیست زیرا در ماده ۲۹۶ مقرر داشته:

«اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمده محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه‌عمده است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.»

در این ماده تمامی چهار شرط مد نظر قانون‌گذار در ماده ۵۴۶ وجود دارد؛ زیرا شرط نخست یعنی یکی بودن رفتار مرتکب را می‌توان به کمک یای وحدت در کلمه «جنایتی» را بر عضو فردی «ثابت نمود و شرط دوم یعنی وجود رابطه طولی نیز از عبارت «به سبب سرایت جنایت» فهمیده می‌شود همین طور شرط سوم یعنی وجود شدت و ضعف در میان نتایج حاصله نیز بدیهی است زیرا یک نتیجه جنایت بر عضو و نتیجه اش، فوت مجنی‌علیه است و نهایتاً «در غیر این صورت» در عبارت «در غیر این صورت، قتل شبه‌عمده است» هم شامل عمد و هم غیر عمد می‌گردد. با وجود این، در ذیل ماده، تداخل را رد نموده است و مرتکب را به هر دو مجازات محکوم نموده است در حالی که همانند صدر همین ماده، علی‌القاعده می‌بایست جنایت اخف یعنی قصاص عضو، در اشد یعنی فوت تداخل نماید. مقنن در صدر ماده این تداخل را پذیرفته و حکم به تنها قصاص نفس نموده است ولی در ذیل همین ماده هم حکم به قصاص عضو داده و هم پرداخت دیه نفس را ضروری دانسته است. مورد نقض دیگر ماده ۵۴۰ ق.م.ا. است. در این ماده نیز مقنن این چنین حکم نموده است:

«هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند این که شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی‌علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی‌علیه نیز باید پرداخت شود.»

در این ماده نیز با وجود فراهم بودن شرائط مذکور در ماده ۵۴۶، همانند ماده ۲۹۶، حکم به

تداخل را رد نموده بیان داشته که «علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی‌علیه نیز باید پرداخت شود».

نتیجه‌گیری

در قانون مجازات اسلامی تصریحی درباره تعدد نتیجه وجود ندارد. قانون‌گذار تلاش نمود تا خلاء موجود را در لایحه مجازات اسلامی که به زودی لازم الاجرا خواهد شد برطرف نماید. از این روی حکم تعدد در تعزیرات را در قالب تبصره یکم ماده ۱۳۳ بیان نموده و تعدد نتیجه را در حکم تعدد واقعی دانسته است. این تلاش ستودنی مقنن هنوز دارای ابهاماتی جدی است از جمله این که نه از خود تعدد جرم و نه از تعدد نتیجه تعریفی ارائه نشده است. گذشته از این در محدوده جریان تعدد نتیجه نیز ابهام وجود دارد. این که در تبصره مقرر شده است: «در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، برابر مقررات فوق عمل خواهد شد» و رفتار را مقید به مجرمانه بودن نموده مفهوم مخالفش این است که چنانچه رفتار اولیه مجرمانه نبوده ولی نتیجه آن فعل مجرمانه باشد مقررات تعدد شامل آن نمی‌شود در حالی که به نظر نگارنده این نقص قانون یاد شده است در بحث تعدد نتیجه در دیات نیز قانون‌گذار درصدد نوآوری بوده و تلاش نموده در فصل هفتم از کتاب دیات (تداخل و تعدد دیات) با تأسیس اصولی تعدد در دیات را در قالب قواعدی کلی بیان دارد. با وجود تحسین مقنن در هدف یادشده، نگارنده بر این باور است که قانون‌گذار بسیار ناقص عمل نموده و مشکلات زیادی در قانون جدید دیده می‌شود. به عنوان نمونه در بیان «حکم جنایات متعدد ناشی از یک ضربه جانی» مقنن دقت کافی نداشته است. مصداق بارز این ادعا، تعارض آشکار میان ماده ۵۴۶ و ۶۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین وجود تنافی میان ماده ۵۴۶ و مواد ۵۴۰ و ۲۹۶ همین قانون است. افزون بر این، نگارش متن ماده ۵۴۶ به گونه‌ای است که عملاً با هیچ‌یک از آرای فقیهان هم‌خوانی کامل ندارد. هر چند ما نیز می‌پذیریم که در هنگام نگارش مواد قانونی، ضرورتی ندارد که مقنن خود را محدود به نظر مشهور نماید؛ بلکه باید به دو نکته مهم توجه کند: اول این که کدام یک از نظریه‌های اتخاذی بهتر مصالح جامعه را تأمین می‌کند و دیگر این که کدام یک از نظریه‌ها با اجزای دیگر سیستم حقوقی هماهنگ است (پوربافرانی، ۶۱) ولی ایرادی که در بیان «حکم جنایات متعدد ناشی از یک ضربه جانی» بر مقنن وارد است این است که اساساً حکم مذکور در قانون یادشده عملاً در آرای هیچ‌یک از

فقیهان امامیه نه مشهور و نه اقلیت وجود ندارد.

منابع

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول تابستان ۱۳۷۷.
- ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
- ابن سعید حلّی، یحیی، الجامع للشرائع، یک جلدی، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
- پوربافرانی، حسن، «نقد رویه شهرت گرایانه در سیاست جنایی تقنینی ایران»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۴۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، صص ۶۱-۹۰.
- پیمانی، ضیاء‌الدین، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، چاپ اول زمستان ۱۳۷۴.
- جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد - یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، بیروت، دار الثقلین، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- چمپیون، دین جان، روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم شناسی، ترجمه علی شایان، تهران، دادگستر، چاپ اول پاییز ۱۳۸۵.
- حاجی ده آبادی، احمد، قواعد فقه جزائی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۹.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- خراسانی (آخوند)، محمد کاظم، کفایه الاصول، یک جلدی، قم، مؤسسه آل‌البتیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ق.
- سبزواری، سید عبد‌العلی، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، انتشارات مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.
- طاهری نسب، سید یزدالله، تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷.

- _____، *النهاییه*، یک جلدی، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ق.
- عراقی، ضیاء الدین، *نهایه الافکار*، چهار جلدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- قانون مجازات اسلامی*، مصوب ۱۳۹۰ برگرفته از سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، نسخه ارسالی ریاست محترم مجلس در تاریخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۱
- قیاسی، جلال الدین، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، *فقه و حقوق*، شماره ۲۰، بهار ۱۳۸۸
- کشاوری، بهمن، *مجموعه محشای قانون تعزیرات*، تهران، گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- گارو، رنه، *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، مترجم: سید ضیاء الدین نقابت، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴.
- مدنی کاشانی، رضا، *کتاب الادیات*، یک جلدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
- موسوی، سید علی، «رسالة في تداخل الأسباب و المسببات»، *پژوهش های اصولی*، شماره های دوم و سوم، زمستان ۱۳۸۱ و بهار ۱۳۸۲.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی تا.
- نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر دادآفرین، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.
- یثربی، سید محمد علی، «کارکرد استنباطی انصراف و کاربرد حقوقی آن»، *حقوق خصوصی*، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸.